

## ارزیابی و نقد مقالات حوزه ادبیات عصر میانه

ابراهیم نامداری\*

### چکیده

صاحب‌نظران در زمینه رعایت استانداردهای ساختار مقاله‌های علمی - پژوهشی اصول، قواعد، و ضوابط خاصی را در نظر دارند که پای‌بندی به این موارد نیازمند مهارت، تجربه، و دقت فراوان است. در این پژوهش برآنیم تا به نقد و بررسی ساختار شش مقاله چاپ‌شده در مجله/دب عربی دانشگاه تهران در حوزه ادبیات عصر میانه و میزان انطباق آن با استانداردهای مقاله‌های علمی - پژوهشی بپردازیم. بررسی استانداردهای مربوط به ساختار مقاله‌های علمی - پژوهشی در این شش مقاله حاکی از آن است که برخی از مقالات دارای نواقصی از قبیل کلی بودن عنوان، نداشتن روش و هدف پژوهش در چکیده، ضعف در انتخاب واژه‌های کلیدی، مشخص نبودن پرسش‌های اصلی، اشاره نکردن به پیشینه پژوهش، و کلیشه‌ای و کلی بودن نتیجه‌هاست. از سوی دیگر، تعدادی از مقاله‌های بررسی شده نیز نقاط قوت و استانداردهای لازم را دارند که از جمله آن می‌توان به ارائه عمقی مبانی نظری پژوهش، رویکرد انتقادی و تحلیل محور، نوآوری، انطباق محتوای اثر با عنوان، استناد به منابع معتبر، و داده‌های به‌روز اشاره کرد.

**کلیدواژه‌ها:** عصر میانه، نقد، انطباق محتوا با عنوان، تحلیل ادبی.

### ۱. مقدمه

گاه در جایگاه محقق با موضوعاتی روبه‌رو می‌شویم که عامه مردم به دید خودشان به آن‌ها می‌نگرند و ما با تحقیقات خود می‌خواهیم آن موضوعات را به شکل دیگری بشناسانیم و در پیش‌برد علم و دانش گامی برداریم و با این کار ایشان را به راه درست راهنما باشیم. از طرفی هم اهمیت پژوهش در اعتلای دانش تاحدی است که به جرئت می‌توان گفت بدون پژوهش دانش هیچ‌گونه پیشرفتی نخواهد داشت؛ این آگاهی و پیشرفت هنگامی حاصل

\* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، enamdari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۵

می‌شود که نتایج حاصل از پژوهش به صورت مکتوب در دسترس همگان باشد و پژوهش‌گر با بهره‌گیری از خلاقیت، بینش، و استدلال منطقی حاصل تلاش‌های خود را با دیگران به‌مشارکت بگذارد.

حال، برای به‌اشتراک گذاشتن این مطالب رعایت اصول و قواعد مقاله‌نویسی الزامی است؛ چراکه گام نهایی در انجام‌دادن یک فرایند پژوهشی نوشتن و عرضه آن است. در این میان، برای عرضه یافته‌های پژوهش راه‌هایی وجود دارد که از جمله آن‌ها پایان‌نامه، طرح‌های پژوهشی، متون آموزشی، و مقاله‌هایی است که در همایش‌ها به صورت سخن‌رانی، پوستر، یا چاپ عرضه می‌شوند. البته، مقاله‌های علمی - پژوهشی با توجه به اعتبار علمی از جایگاه والایی برخوردارند. مقاله علمی - پژوهشی «نوشته‌ای به نثر، نشان‌دهنده نظر نویسنده در موضوعی خاص و محدود، رغبت‌انگیز، با نثری روشن و رسا، شامل ارجاع‌های لازم با ساختاری منسجم شامل مقدمه، متن، یا بدنه، و نتیجه همراه کتاب‌شناسی مناسب است» (موحد ۱۳۸۷: ۲۰). بر این اساس، بررسی کیفیت شاخص‌های اصلی و مهم ساختار مقاله‌ها (چکیده، مقدمه، بدنه، نتیجه، منابع، و ...) از جانب پژوهش‌گران اصلی‌ترین مشخصه‌هایی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. در این جستار، نگارنده ساختار شش مقاله علمی - پژوهشی چاپ‌شده در مجله/دب عربی دانشگاه تهران را مورد نقد، بررسی، و ارزیابی قرار داده است. هدف اصلی در این پژوهش تبیین کیفیت ساختار این شش مقاله از طریق شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها با تأکید بر رعایت استاندارد تعریف مقاله‌های علمی - پژوهشی به منظور ارتقای سطح علمی پژوهش‌های آینده است. این مقاله‌ها که همگی در زمینه تحلیل ادبیات عصر میانه نگاشته شده‌اند به ترتیب سال چاپ عبارت‌اند از:

#### جدول ۱.

ردیف	مشخصات مقاله‌ها
مقاله یک	«شرح حال ابن‌هانی شاعر شیعی اندلسی (۳۶۲-۳۲۰ ق)»، تألیف علیرضا محمدرضایی، بهار ۱۳۸۰، ش ۱۵۷
مقاله دو	«نگاهی به علل گسترش طنز در قرن چهارم هجری قمری»، تألیف بیژن کرمی، زمستان ۱۳۸۵، ش ۱۸۰
مقاله سه	«دلایل اصلی پیدایش موشح در اندلس»، تألیف فیروز حریرچی و حسین علی اصغری متی کلایی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ش ۱
مقاله چهار	«بررسی مختصر ارکان دبیرخانه مرکزی دولت در عصر ممالیک براساس کتاب صبح الأعشى»، تألیف عبدالحسین فقهی و سیداسماعیل قاسمی موسوی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ش ۱
مقاله پنج	«تضمین و گونه‌های آن در چکامه‌های صفی‌الدین حلی»، تألیف نرگس گنجی و فاطمه اشراقی، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ش ۱
مقاله شش	«بینامتنیت دینی در غزل‌های مادی الشاب الظریف»، تألیف محمود حیدری، نادیا دادپور، و مریم‌السادات میرقادری، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، س ۵، ش ۲

## ۱.۱ سؤال‌های پژوهش

۱. ساختار و ترکیب شش مقاله بررسی شده تا چه اندازه با استانداردهای مقاله‌های علمی - پژوهشی هم‌خوانی دارد؟
۲. نقاط قوت و ضعف ساختار این مقاله‌ها چیست؟
۳. چرا روش‌های ارجاع در شش مقاله مورد بررسی یکسان نیست؟ آیا به‌علت نبود شیوه‌نامه ارجاع در مجله است یا کم‌دقتی نویسندگان؟

## ۲.۱ پیشینه تحقیق

در زمینه پژوهش‌های مرتبط با زبان و ادبیات عربی تاکنون تحقیقات ارزش‌مندی درباره بررسی مقاله‌های علمی - پژوهشی به‌رشته تحریر درآمده است که می‌توان به مقاله «تحلیلی گزارش‌گونه از مقالات چاپ‌شده مجله/انجمن زبان عربی» (میرزایی و دیگران ۱۳۸۷) و مقاله «نقد و تحلیل مقالات علمی - پژوهشی گروه زبان و ادبیات عربی ایران از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶» (طاهری‌نیا و بخشی ۱۳۸۸) و مقاله «نقدی بر انتخاب موضوع و عنوان مقاله در مجلات علمی - پژوهشی زبان و ادبیات عربی» (عسکری ۱۳۸۹) اشاره کرد.

در پژوهش‌های یادشده، نگارندگان بیش‌تر به تحلیل کمی و شکلی و گزارش آماری مقالات از زوایای مختلف پرداخته‌اند، درحالی‌که در این مقاله به بررسی تحلیلی و کیفی ساختار این شش مقاله علمی - پژوهشی با تکیه بر استانداردهای تعریف‌شده پرداخته شده است.

## ۲. ارزیابی ساختار مقاله‌ها

در بررسی به‌عمل‌آمده چنین ملاحظه گردید که پیکره هر شش مقاله مورد بحث به‌ترتیب از بخش‌های عنوان، چکیده، کلیدواژه، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، و منابع تشکیل شده است. دوم این‌که بیش‌تر نویسندگان محترم بخش‌های موجود در بدنه اصلی مقاله را با نظم و ترتیب منطقی یکی پس از دیگری آورده‌اند. هریک از این بخش‌ها را به‌شکل جداگانه مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

## ۱.۲ عنوان

همواره محقق باید موضوعی برگزیند که بتواند با امکانات مادی و بودجه موجود، سطح علمی کنونی‌اش، منابع، و کتاب‌خانه‌هایی که در دسترس اوست، زمانی که برای انجام پژوهش در اختیار دارد، و دیگر شرایط زندگی شخصی خود از عهده انجامش برآید. نخستین مرحله در تدوین یک مقاله علمی - پژوهشی انتخاب یک عنوان مناسب برای پژوهش است. عنوان نخستین وسیله‌ای است که نویسنده با آن هویت پژوهش خود را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

در مقاله‌های پژوهشی از مهم‌ترین ویژگی‌های عنوان عبارت‌اند از وضوح، کوتاهی و فشردگی، کلیشه‌ای نبودن، و برانگیختن توجه خواننده (فتوحی ۱۳۹۱: ۱۶۲). با وجود این که تقریباً همه ویژگی‌های برشمرده شده در این شش مقاله موجود است، اما اندک نواقصی در برخی از عنوان‌ها به چشم می‌خورد. مثلاً، عنوان مقاله دو ایجاز ندارد؛ چراکه به‌طور کلی به طنز پرداخته شده است و مشخص نشده است که طنز سیاسی است یا اجتماعی یا فردی یا ...؟ هم‌چنین، در مقاله چهارم می‌بینیم که عنوان مقاله بسیار طول و تفصیل دارد. از طرفی، ارکان دبیرخانه مرکزی دولت بررسی شده است آن‌هم به صورت مختصر؛ از دیگر سو، عصر ممالیک به آن افزوده شده است و سپس، براساس کتاب *صیح الأعمش* قلقشندی آن را شرح و توصیف داده است. به نظر می‌رسد که هرکدام از این بخش‌ها می‌تواند به صورت مجزا موضوع مقاله‌ای باشد.

## ۲.۲ چکیده

چکیده مقاله هرگز خلاصه مقاله یا مقدمه مقاله نیست. حجم آن هم در حدود دویست کلمه است و هرگز نباید از یک پاراگراف بیش‌تر باشد. نباید ضمن چکیده مباحثی را هم‌چون مقدمات بحث طرح کرد که لزوماً پذیرفته نیستند و نیازمند اثبات‌اند و قرار است آن‌ها را اثبات کنیم. هدف از نگارش چکیده مقاله، قبل از هر چیز، تبیین ضرورت و مقدمات بحث به بیانی ساده برای دانشجویانی از رشته‌های مختلف است؛ دانشجویانی که با عنوان مقاله پژوهشی آشنا شده‌اند، اما نمی‌دانند مطالعه آن به کارشان می‌آید یا نه.

چکیده هرچند کوتاه است، اما باید متضمن نکات اصلی باشد. «چکیده هدف از انجام کار، نتایج به دست آمده، معنا و اهمیت انجام پژوهش را در بر می‌گیرد» (استاپلتون ۱۳۷۲: ۵۱). چکیده مقاله باید این مسائل را توضیح دهد: ۱. ضرورت بحث؛ ۲. جایگاه آن در طبقه‌بندی

علوم و این که این بحث ذیل کدام دانش می‌گنجد؛ ۳. این که این بحث در میان مباحث آن شاخه از علم چه جایگاه و چه ضرورت و اهمیتی دارد و دانستن پاسخ پرسش‌هایش به حل کدامین مشکلات یاری می‌رساند؛ ۴. ارتباط بحث با دانش‌های دیگر؛ ۵. رویکرد محقق در تحلیل مسئله مورد بحث؛ و ۶. روش او برای تحلیل مسئله از آن رویکرد.

باید با استفاده بهینه از حجم به تک‌تک این موضوعات اشاراتی واضح و گویا داشت؛ مگر آن که چنان واضح و بدیهی باشند که نیازی به این اشاره نباشد. چهار قسمت اصلی چکیده اهداف پژوهش، روش تحقیق، یافته‌های پژوهش، و کاربرد آن است. چکیده مقاله‌های دو و چهار فاقد هدف و روش است و غالباً شبیه به مقدمه‌ای کوتاه هستند. در مقاله چهار علاوه بر نبود هدف و روش مسئله نیز به خوبی بیان نشده است، به طوری که در چکیده هیچ اشاره‌ای به دبیرخانه مرکزی دولت نشده است؛ در حالی که مسئله محوری مقاله است و در عوض، «دیوان انشا» ذکر شده است که توضیح آن میان پراکنش بر ابهام دیوان انشا افزوده است: (دبیرخانه‌ای که مکاتبات غیرمالی و غیرنظامی در آن نوشته می‌شده است). هم‌چنین، بخش اعظم چکیده در معرفی کتاب *صبح الأعشى* است؛ گویی، موضوع مقاله شناساندن *صبح الأعشى* به خوانندگان است (کتاب *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء* یکی از بزرگ‌ترین دایرةالمعارف‌هایی است که تا قرن نهم هجری در تمدن اسلامی به وجود آمده است. نویسنده این کتاب احمد بن علی قلقشندی سال‌ها در دیوان انشا مشغول بوده است) (فقهی و قاسمی موسوی ۱۳۸۸: ۱۵۵).

## ۳.۲ کلیدواژه

کلمات کلیدی کلماتی هستند که به بهترین وجهی حاکی از موضوعات اصلی و فرعی مقاله‌اند، اما در عنوان مقاله و چکیده ذکر نشده‌اند. هدف از انتخاب آن‌ها این است که اگر کسی درباره موضوعی مطالعه می‌کند که به مقاله ما ربطی داشت، ولی در عنوان و چکیده اسمی از آن موضوع نیامده بود، بتواند با جست‌وجوی آن کلمه مقاله را که در کلمات کلیدی‌اش آن کلمه را جا داده‌ایم، بیابد. در پایان چکیده سه تا ده واژه کلیدی آورده می‌شود. کلیدواژه‌ها باید با واژه‌های اصلی عنوان و مسئله تحقیق و تاحد امکان با عنوان‌های فرعی مقاله تناسب داشته باشد و موضوع خاص مقاله را به خوبی نشان دهند. در مقاله یک اگر به دقت در کلیدواژه‌های مقاله «شرح حال ابن‌هانی اندلسی، شاعر شیعی» بنگریم، خواهیم یافت که دقیقاً تکرار واژه‌های عنوان مقاله است؛ در حالی که بهتر بود کلیدواژه‌ها باتوجه به

متن مقاله که می‌کوشد مذهب شیعه اسماعیلی او را اثبات کند چنین باشد: «ابن‌هانی، ادبیات متعهد، تشیع، اندلس». در مقاله دو شاهد کلماتی هستیم که گاه از لحاظ مفهومی خیلی به هم نزدیک هستند و یکی از آن دو کفایت می‌کند؛ برای نمونه: «قرن چهارم هجری قمری، عصر عباسی». همین‌طور یکی از کلیدواژه‌ها «جاحظ» است که به خواننده القا می‌کند مقاله بر محور مقالات طنزآمیز جاحظ است، اما با نگاهی به متن مقاله می‌بینیم که از نویسندگان دیگری هم نمونه آورده شده است. بنابراین بهتر است کلیدواژه‌ها رسا و دارای مفهوم کلی باشد که با کل مقاله در ارتباط باشد. جالب آن‌که در مقاله اسمی از جاحظ و آثار طنزآمیز او نیامده، بلکه نمونه‌هایی از صابی، خوارزمی، و احمد الوشاء آمده است (موحد ۱۳۸۷: ۱۶۳).

## ۴.۲ مقدمه

مقدمه نخستین بخش یک اثر پژوهشی است که در آن، پیش از ورود جدی به بحث، کوشش می‌شود معلومات پیش‌نیاز در اختیار خواننده قرار گیرد؛ معلوماتی که اگر آگاهی خواننده متخصص دربارهٔ هر یک از آن‌ها کم باشد، با بحث ارتباط برقرار نخواهد کرد؛ مثل بیان هدف مطالعه، اصطلاحات بنیادین، ضرورت انجام آن، و هرچه از این دست. مقدمه به‌همراه طرح مسئله و احیاناً روش تحقیق سه جزو اصلی مقدمهٔ یک مطالعهٔ علمی هستند؛ خواه این مطالعهٔ علمی یک پایان‌نامه یا طرح پژوهشی باشد یا یک مقالهٔ کوتاه. با مطالعهٔ کامل مقاله‌های بررسی‌شده چنین ملاحظه می‌شود که اکثر مقدمه‌ها فاقد بخش‌هایی از قبیل سؤال‌های پژوهش، هدف پژوهش، پیشینهٔ تحقیق، و ضرورت پژوهش هستند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در مقالهٔ یک سؤال‌های پژوهش بسیار کلیشه‌ای است. شایسته است، سؤال‌های پژوهش دارای پاسخی مبسوط باشند؛ سؤال‌های ۱ و ۲ با انتخاب یکی از طرفین پاسخ داده می‌شود؛ برای نمونه، سؤال ۲ «آیا ابن‌هانی در مدت اقامت در اندلس به مذهب اسماعیلی اعتقاد داشته یا با رسیدن به دیار فاطمیان به آن گردن نهاده است؟» که دارای پاسخی بس کوتاه است، بالاخره اعتقاد او به مذهب اسماعیلی از دو حالت خارج نیست یا در مدت اقامت در اندلس بوده است یا در دیار فاطمیان؛ بنابراین می‌تواند سؤال دارای پاسخی قانع‌کننده و مشروح باشد. مقاله‌های دو و چهار فاقد سؤال پژوهش هستند. در مقاله‌های یک، دو، سه، و چهار اشاره‌ای به بخش پیشینهٔ پژوهش نشده است. هم‌چنین، در مقاله‌های یک، دو، و چهار ضرورت پژوهش نیامده است؛ درحالی‌که مقدمهٔ یک مقالهٔ پژوهشی مختص معرفی مسئلهٔ تحقیق، پیشینهٔ علمی تحقیق، بیان فرضیه و استدلال، و

معرفی روش تحقیق است. مقدمه دروازه ورود به بدنه اصلی است و اصل ترغیب مخاطب در آن نقشی اساسی دارد. دستور کلی در نوشتن مقدمه این است که آنچه را نویسنده در پی اثبات یا توضیح آن است در جمله‌ای که به آن «جمله کلیدی» می‌گویند بیاورد و به تناسب موضوع باید شامل مطالبی باشد درباره تاریخ موضوع، اهمیت موضوع، و تعریف اصطلاحاتی که در بدنه اصلی مقاله آمده است (چادگان‌پور ۱۳۷۳: ۶۶). این مشخصه‌ای است که در مقاله‌های یادشده یافت نشد.

## ۵.۲ بدنه اصلی و مسئله محوری

در یک نگاه کلی در هر یک از شش مقاله موردبررسی نگارندگان در پی پاسخ‌دادن به هدفی بودند و مسئله پژوهش در چکیده و مقدمه هرکدام نمایان است. با این تفاوت که رویه مقاله‌ها در میزان مسئله محوری یکسان ارزیابی نمی‌شود. در مقاله یک، همان‌طور که در چکیده به صورت مختصر آمده است، نگارنده بر آن است تا به ابهام‌ها، اتهام‌ها، و سؤال‌های برآمده از آن‌ها پاسخ گوید. یکی از این ابهام‌ها و اتهام‌ها به ابن‌هانی الحاد و کفر و درازدستی در دین بوده است و پاسخ‌هایی به آن داده‌اند، از جمله مدح‌های مبالغه‌آمیز او، دوستی او با حاکم اشبیلیه، اعتقاد به مذهب تشیع، و ... که باعث جلای وطن ابن‌هانی گردید؛ در این جا نویسنده با ذکر دلایلی کوشیده است تا شیعی بودن شاعر را علت اصلی این ترک وطن بداند و به‌خوبی به مقصود خویش رسیده است. در مقاله دو سؤال پژوهش وجود ندارد، اما با توجه به عنوان مقاله می‌توان به سؤال پی برد که علل اصلی گسترش طنز در قرن چهارم چه بوده است؛ که در متن اصلی مقاله زیر این عنوان پاسخی یافت نمی‌شود و نویسنده محترم به تقسیم دوره عباسی به چهار مرحله پرداخته است که از نقص‌های اصلی مقاله حاضر به‌شمار می‌آید. در همین مقاله نگارنده در زیر عنوان «نگاهی گذرا به طنز در عصر جاهلی و اسلامی» فقط به ذکر داستانی از قبیله مزینه که حاضر به آزادی ثابت پدر حسان نبودند، پرداخته است و دیگر اشاره‌ای به این نشده است که ویژگی‌های طنز در این دوره چگونه و از چه نوعی بوده است (کرمی ۱۳۸۵: ۱۵۲). مثلاً، آیا در حد نمونه‌های کوتاه و ساده بوده است یا فراوان؟ آیا شخصی و فردی بوده یا با جامعه و قبیله آن روز سروکار داشته و یا ...؟ در همین مقاله زیر عنوان «نگاهی به علل گسترش طنز در قرن چهارم» آمده است: «در قرن چهارم هجری طنز و فکاهی بنا به دلایل گوناگونی که برخی از آن‌ها در پی خواهد آمد، به اوج و شکوفایی خود رسید که اگر بخواهیم این اسباب را به صورت مفصل

و دقیق ارائه کنیم، مجالی بیش از این صفحات می‌طلبد» (همان: ۱۵۳). در این‌جا نویسنده رسالت اصلی مقاله را که بررسی علل گسترش طنز در قرن چهارم است فراموش کرده است؛ حال، شرح مفصل اسباب بماند، آیا نباید به‌صورت دقیق در مقاله علمی - پژوهشی، بحث کرد؟! نگارنده مقاله سه به‌خوبی توانسته است پاسخ‌هایی مبسوط و مستند به نظرات و دیدگاه‌های پیشین درباره پیدایش موشح بدهد. در این مقاله آمده است: «گروهی از محققان مانند هارتمن، فراینغ، و ... موشح را شکل پیشرفته مسمط و مخمس می‌دانند» (حریرچی و اصغری متی کلایی ۱۳۸۸: ۴). نویسندگان درباره این نظریه برآن‌اند: «اما این دیدگاه قابل انتقاد است، زیرا اگر دلیل اصلی پیدایش موشح نظام موسیقایی مسمط بوده است، باید موشح قبل از این‌که در اندلس به‌وجود آید در مشرق‌زمین به‌وجود می‌آمد». بنابراین، اگر این دیدگاه را بپذیریم، باید بگوییم در این زمان شاعرانی در اندلس بوده‌اند که در مسمط و مخمس یا رباعی مهارت کسب کرده بودند؛ اما می‌بینیم که قبل از پیدایش موشح از چنین شاعرانی خبری نیست تا بر شکل جدیدتری از این نوع شعر پی ببرند. از این‌رو، مقاله حاضر بسیار زیبا به حل و فصل مطالب پرداخته است و مسئله تحقیق در آن به‌خوبی پیداست. مقاله چهار را تقریباً می‌توان در زمره مقالاتی دانست که ضرورت پژوهشی ندارد؛ مثلاً، بررسی ارکان دبیرخانه مرکزی عصر ممالیک چه دغدغه ذهنی‌ای برای خوانندگان و پژوهش‌گران این عرصه ایجاد می‌کند. البته، در صورتی که به‌نوعی سبک و اسلوب ادبی آن دوره آن هم براساس نمونه‌هایی از نامه‌های موجود در دبیرخانه ره‌نمون می‌شد، باز ارزش‌مندتر می‌بود. با این اوصاف، مقاله حاضر خالی از سؤال است. نگارنده مقاله پنج به‌خوبی توانسته است سؤالاتی درمورد موضوع مقاله، یعنی تضمین در اشعار حلی، مطرح کند و در متن اصلی مقاله هم به‌خوبی به پاسخ رسیده است. اما درباره مقاله شش باید خاطر نشان کرد که بهترین راه برای برطرف کردن هرگونه ابهامی در زمینه موضوع مطالعه مشخص کردن پرسش‌های اصلی مطالعه است. هر مطالعه‌ای زمانی قابل انجام است که حداقل درباره مسئله مورد بحث سه یا چهار سؤال مرتبط با هم دیگر داشته باشیم؛ آن‌سان‌که بخش‌های مختلف مقاله ما صرف یافتن پاسخ همان پرسش‌ها شود. اگر پرسش‌های اصلی مطالعه معلوم نباشد، معلوم نخواهد شد که باتوجه به مقدمات و استدلال‌ها در آخر قرار است چه چیزی ثابت شود و مؤلف قرار است چه مدعایی را ثابت کند. تجربه نشان داده است که اگر تعداد پرسش‌های اصلی بحث کم‌تر از سه تا یا بیش‌تر از چهار تا بود، محقق هنوز به انسجام ذهنی کافی نرسیده است و باید بحث را در ذهن خود



بیش از این مرتب کند. چهار پرسش برای یک مقاله پژوهشی بسیار سنگین است و معمولاً سه پرسش، نه کم تر و نه بیش تر، منطقی تر و عملی تر است. نگارنده مقاله شش یک سؤال مطرح کرده است که برای مقاله علمی - پژوهشی بسیار ناچیز است. هر چند به خوبی توانسته است به صورت مستند و با استدلال به ابیاتی از شاعر به پاسخ سؤال خود دست یابد. تمام مطالب مقاله باید درباره فرضیه و سؤال باشد. توجه به این مسئله نویسنده را از حاشیه رفتن و طرح مباحث اضافی در امان می‌دارد. فرضیه و سؤال‌های تحقیق محورهای پژوهش را مشخص می‌کند و خواننده را از هدف‌ها و موضوع اصلی آن آگاه می‌سازد. از شش مقاله مورد بحث، دو مقاله فاقد سؤال‌های پژوهش هستند که موضوع مسئله محوری مقاله‌ها را کم رنگ کرده است. فقط در مقاله پنج سؤالات استاندارد و علمی و درخوری بیان شده است؛ در این مقاله سؤال‌های پژوهش نیز به خوبی تبیین شده‌اند و رویکرد مسئله محوری کاملاً مشهود است.

## ۶.۲ نتیجه گیری

آخرین بخش از مقاله علمی - پژوهشی نتیجه گیری است. مؤلف حتماً باید بحث خود را جمع بندی و نتیجه گیری کند. در نتیجه گیری از بحث تصریح به چند مسئله ضروری است: اول، پاسخ پرسش‌های اصلی؛ دوم، ارزیابی میزان موفقیت کاربرد روش به کار برده شده در دست یابی به نتایج؛ و سوم، افق‌های پیش رو و مطالعاتی که از این پس باید به منظور تکمیل این کوشش علمی پی گرفته شوند. نتیجه معمولاً شامل تکرار جمله کلیدی با بیانی متفاوت، خلاصه نکته‌های مهم در تأیید جمله کلیدی و پیش‌بینی‌ها، پیش‌نهادها، و آخرین نظر نویسنده بر اساس مطالب مقاله است (موحد ۱۳۸۷: ۶۴). نکته دیگر آن که نتیجه نباید شامل مطلب تازه‌ای باشد که در مقاله نیامده و به شرح نیاز دارد (همان).

فرایند نتیجه گیری در یک پژوهش علمی زمانی به درستی محقق می‌شود که داده‌های پژوهش با یک رویکرد مسئله محور و بر اساس یک منبای نظری به شکل منسجم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته باشد. از این رو، بر ایند مقاله پژوهشی صرفاً مبتنی بر چگونگی روش تحقیق و بررسی داده‌ها در بدنه اصلی است. در مقاله یک، نتیجه هیچ انسجامی با عنوان مقاله و سؤال‌های پژوهش ندارد؛ به طوری که شبیه خاتمه موضوع است تا نتیجه. هیچ اشاره‌ای به مذهب تشیع شاعر نشده است، چرا که بر اساس متن اصلی مقاله نویسنده کوشیده است تا علت ترک وطن ابن هانی را شیعی بودن او قلمداد کند. نویسنده در نتیجه

مقاله به مرگ شاعر و جان‌باختن او و آخرین قصیده‌ای که در مدح معز سروده می‌پردازد و سپس، اشعار را شرح می‌دهد و جالب آن‌که در قسمت نتیجه ارجاع هم می‌دهد (محمدرضایی ۱۳۸۰: ۲۶۶). در قسمت نتیجه‌گیری مقاله معنایی ندارد که به اثری دیگر ارجاع داده شود، چون هرچه در این قسمت بیان می‌شود خلاصه‌مطلبی است که پیش از این آن‌ها را ثابت کرده‌ایم. به همین ترتیب، نقل هرچیزی غیر از نتایج بحث و نوآوری‌ها در آن معنایی ندارد. در مقاله دو با خواندن نتیجه چنین برداشت می‌شود که عنوان مقاله بررسی تطبیقی طنز در دو زبان فارسی و عربی است، چراکه در بخش نتیجه می‌خوانیم:

کاربرد واژه طنز در زبان فارسی و عربی چه از لحاظ اصطلاحی و مفهومی و چه از لحاظ لغوی، تفاوت چندان محسوسی با هم نداشته و اصطلاحاً، طنز در زبان عربی همان بار مفهومی را دارد که در زبان فارسی از آن اراده می‌شود. در هر دو زبان مفهوم اجتماعی و فردی طنز لحاظ شده است ... این دو زبان با لحنی نزدیک به هم طنز را اصطلاحی ادبی دانسته‌اند که موجب عبرت است و ... (کریمی ۱۳۸۵: ۱۶۴).

این پاراگراف هیچ ارتباطی به نتیجه این مقاله ندارد، چراکه نگارنده در قسمت نتیجه باید به دنبال پاسخی برای علل گسترش طنز در قرن چهارم باشد.

روش تحقیق نویسندگان در مقاله سه دلایل اصلی پیدایش موشح در اندلس است. در این مقاله می‌بینیم که بخش نتیجه‌گیری به‌خوبی تحلیل‌های انجام‌شده در بدنه پژوهش را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر، در مقدمه سؤال را چنین مطرح کرده‌اند: آیا می‌توان به دلایل یقینی درباره پیدایش اصلی موشح دست یافت یا به علت تکرار زیاد برخی دلایل نادرست مسئله مبهم و پیچیده شده است؟ که در قسمت نتیجه به قسمت اول سؤال به‌خوبی پاسخ داده شده است، آن‌جاکه می‌گوید: «موشح بدون شک در پیدایش اولیه‌اش بیش‌تر مدیون آواز ملی اسپانیا و سپس موقعیت جغرافیایی، نوع حکومت، و ضعف در زبان عربی بوده است» (حریرچی و اصغری متی کلایی ۱۳۸۸: ۱۱)، اما بخش دوم سؤال را پاسخ نداده‌اند. بهتر است، در نتیجه‌گیری خیلی هم به مختصرگویی پناه برده نمی‌شد، به طوری که اکنون نتیجه در سه خط خلاصه شده است، در حالی که می‌شد با پاسخ مبسوط به بخش دوم سؤال به نتیجه قابل قبول‌تری نائل آمد.

در مقاله چهار باتوجه به این‌که در بدنه اصلی به شرح و توضیح بخش‌های گوناگون دبیرخانه مرکزی و دبیران پرداخته شده است، نتایج در ضمن بدنه اصلی موجود است و نگارندگان در بخش نتیجه‌گیری به گردآوری نتایج حاصل از این توضیحات پرداخته‌اند. در

ارزیابی این بخش باید اذعان کرد که نتیجه گردآمده همه توضیحات اجرا شده در بدنه اصلی را پوشش نمی‌دهد. در بدنه اصلی براساس گفته‌های قلشندی هفت گروه از ارکان دبیرخانه برشمرده شده است، درحالی‌که نتیجه به چیز دیگری اشاره دارد. در مقاله پنج کاملاً میان تحلیل‌ها و نتیجه به دست آمده تناسب وجود دارد. به عبارت دیگر، نویسندگان در قسمت نتیجه به سؤالات پژوهش به صورت تمام و کمال پاسخ گفته‌اند. نگارنده مقاله شش در قسمت نتیجه چنین می‌گوید که شاعر به شکل‌های مختلف میان متون، شخصیت‌ها و اماکن دینی، و غزل مادی تیندگی ایجاد کرده است که این تیندگی از سطح بینامتنیت متوازی تا متعالی را شامل می‌شود؛ اما اشاره‌ای به این نشده که چگونه تأثیرگذاری سخن را بیش‌تر کرده و وجوه زیبایی‌شناختی شعر را برجسته کرده است؛ چراکه سؤال پژوهش به چگونگی تأثیرگذاری توجه دارد.

### ۳. مبانی نظری پژوهش مقاله‌ها

پیش از ورود به بحث و در قسمت درآمد باید به عنوان مقاله بنگریم و اگر در آن اصطلاحی به کار رفته است که معنایش ابهام دارد، توضیح دهیم. در ضمن بحث هم هر جا مسئله جدیدی مطرح می‌شود، باید اول در صورت لزوم از مفاهیم جدید بحثمان در آن قسمت تعریف ارائه کنیم. باتوجه به این که ادبیات تحقیق یا مبانی نظری به تشریح مفاهیم، تعاریف، و تاریخچه موضوع پژوهش می‌پردازد، نویسنده مقاله باید بر ادبیات تحقیق مسلط باشد و مبانی نظری موضوع تحقیق خود را به طور مختصر، ولی کاربردی بیان کند. مبانی نظری پژوهش باید با استناد و ارجاع علمی آورده شود و به نقد و تحلیل نظریه رقیب و نظریه تأکیدکننده بپردازد. با وجود این که در بیش‌تر مقاله‌های بررسی شده هریک از نویسندگان تاحدی به مبانی نظری پژوهش خود اشاره کرده‌اند، اما در مجموع چنین ارزیابی می‌شود که در برخی از آن‌ها تکیه بر مبانی نظری پژوهش نسبتاً سطحی است، در حد ارائه چند تعریف و بهتر می‌بود که بیش از این به این بخش پرداخته شود.

مثلاً، در مقدمه مقاله یک نویسنده هیچ اشاره‌ای به مذهب شیعه اسماعیلی نکرده است، و باتوجه به چکیده که سعی دارد یکی از ابهام‌های متوجه ابن‌هانی را که آیا ملحد و کافر است یا شیعی اسماعیلی پاسخ گوید، این خلأ احساس می‌شود؛ هر چند نویسنده مطالبی را ذکر کرده است که نگرستن در اشعار ابن‌هانی و مطالعه حکام عصر او دو مزیت دارد: اول، پرده برداشتن از چهره سنی‌های مالکی و دوم، کمک به رفع ابهام‌های پیرامون او؛ اما هیچ استنادی به منابع ندارد که از جمله ضعف‌های پژوهش حاضر است.

در مقاله دو نگارنده به‌طور کلی به طنز پرداخته است و مشخص نکرده است که طنز سیاسی است یا اجتماعی یا فردی یا ...؟ اما با این حساب به تعاریف لغوی و اصطلاحی طنز با تکیه بر معاجم و فرهنگ‌های لغت و منابع علمی پرداخته است (کرمی ۱۳۸۵: ۱۵۰). هم‌چنین، به پیشینه تاریخی آن در دوره‌های مختلف پرداخته است؛ البته، کمی قصور در این میان به چشم می‌خورد که ناشی از کم‌بودن نمونه‌هاست. مبانی نظری پژوهش در مقاله سه به‌خوبی زمینه را برای ورود به بدنه اصلی فراهم کرده است.

هم‌چنین، نویسندگان مقاله چهار به‌خوبی توانسته‌اند مبانی نظری پژوهش را اعم از معرفی و شناساندن کتاب *صبح‌الاعشی* و نویسنده مشهور آن قلقشندی و هم‌چنین، معرفی آثار او و نیز مفهوم ممالیک و گروه‌های مختلف آن پیش ببرند و به بدنه اصلی مقاله ارتباط دهند و در این بین از استناد به منابع معتبر هم غافل نبوده‌اند.

در مقاله پنج مبانی نظری پژوهش به‌طور دقیق و کامل تشریح شده است و زمینه ترغیب خواننده برای ادامه خواندن مقاله فراهم شده است. این مقاله مبتنی بر یک نظریه علمی منسجم است و نگارنده آن زمینه را برای تحلیل داده‌ها فراهم کرده است. از طرفی هم با ارتباط دادن تضمین و گونه‌های آن به نظریه تناص (بینامتنیت) و انواع آن به‌خوبی توانسته است مبانی نظری مدنظر مقاله را تشریح کند.

تحلیل داده‌های پژوهشی و شاهدمثال‌ها در مقاله شش بسیار قابل قبول است و با ارائه شاهدمثال‌ها و شرح کافی آن‌ها گامی محکم در رویکرد تحلیلی پژوهش برداشته شده است و باعث شده است تا پژوهش رنگ و بوی علمی تری به خود بگیرد.

#### ۴. نمونه‌هایی از نوآوری در مقاله‌ها

هریک از مقاله‌ها به‌علت تازگی و دست‌نخوردگی موضوع در نوع خود یک نوآوری محسوب می‌شود. با وجود این، اشاره به بعضی از جنبه‌های نوآوری در برخی از موارد خالی از لطف نیست. برای نمونه، در مقاله دو خواننده می‌تواند با اسباب گسترش طنز آشنا شود. شاید خواننده تا پیش از مطالعه مقاله چنین فکر کند که علل گسترش طنز محصور در رفاه و خوش‌گذرانی باشد، چه در این صورت است که انسان به طنز و شوخی می‌پردازد، اما نگارنده مقاله حاضر افق دید خواننده را وسعت می‌بخشد، از جمله این‌که تشویق حاکمان تازه‌به‌استقلال رسیده به انواع ادبیات و مخصوصاً طنز سبب گسترش آن شده است.

نگارنده مقاله سه بهزیبایی دلایل اصلی پیدایش موشحات را نوع حکومت و ضعف در فهم زبان عربی و موقعیت جغرافیایی اندلس می‌داند.

در مقاله پنج نیز به این مطلب زیبا اشاره شده است که صفی‌الدین حلی علاوه بر تضمین از آثار پیشینیان در پی آن است که نوعی تحول معنایی چاشنی کار خود کند و به بیت تضمین شده رنگی دیگر ببخشد؛ بدین گونه که آن را در فضایی ناسازوار و در قالب معنایی جدید و متناسب با آن چه اراده کرده است به کار می‌گیرد و از بیت معنایی غیر از معنای سراینده اصلی آن اراده می‌کند.

هم‌چنین، نگارنده مقاله شش با اشاره به این که شاب الظریف غزل مادی را با پیرنگ دینی به کار بسته است و به اشکال مختلف میان متون، شخصیت‌ها، اماکن دینی، و غزل مادی تنیدگی ایجاد کرده است که باعث تأثیرگذاری در خواننده است توانسته است مطلب جدیدی را به علاقه‌مندان عرصه ادبیات عرضه کند.

## ۵. میزان اعتبار منابع و دقت در استنادات

هنگامی که پژوهش‌گر قصد نگارش مقاله‌ای را داشته باشد، باید به منبع دست‌اول، به کهن‌ترین منبعی که درباره مسئله برای نخستین بار اطلاعاتی عرضه کرده باشد، در همان زمینه مراجعه کند. ارجاع به منابع دست‌دوم و دست‌چندم هرگز پذیرفته نیست؛ مگر وقتی که منابع دست‌اول واقعاً از بین رفته باشند و اثری از آثار آن‌ها باقی نباشد. این که من دست‌رسی به فلان کتاب ندارم هرگز عذر موجهی برای استفاده از منابع دست‌دوم نیست. هم‌چنین، ارجاع به مطالعات مدرن و محققانه نشان‌دهنده میزان اعتبار پژوهش مدنظر است. در کل، اعتبار منابع و دقت در استنادات در اکثر این مقاله‌ها از سطح کیفی خوبی برخوردار است؛ نگارندگان مقاله‌های سه، پنج، و شش از منابع تخصصی و معتبر علمی در پژوهش خود بهره برده‌اند؛ در مقاله سه مخاطب با منابع تخصصی خوبی در زمینه موشحات و سرایندگان آن آشنا می‌شود؛ جز این که گاهی ارجاع نادرست است، برای نمونه، در این مقاله بیتی آمده که سراینده آن ابوبکر بن زهر است: «أَيُّهَا السَّاقِي إِلَيْكَ الْمَشْتَكِي / قَدْ دَعَوْنَاكَ وَ إِن لَّمْ تَسْمَعْ»، اما متأسفانه در مقاله ارجاع به این صورت است (ابن سناء الملک: ۳۳) که از منهج علمی به دور است (حریرچی و اصغری متی کلایی ۱۳۸۸: ۵).

در مقاله پنج کتاب‌های مهمی در زمینه شناخت انواع تضمین در اختیار خواننده قرار می‌گیرد و علاوه بر آن، سعی شده است به دیوان شعرای پیشین که شاعر (حلی) از ایشان

تضمین کرده است بدون واسطه ارجاع داده شود و به‌بیان‌دیگر، از منبع دست‌اول و مهم استفاده شده است و نگارنده مقاله شش مهم‌ترین کتب را در زمینه تناص و بینامتنیت به ما معرفی می‌کند؛ افزون‌براین که از مطالعات مدرن و محققانه و دستاوردهای پژوهشی نوین استفاده کرده است؛ اما مقاله یک ارجاعات علمی ندارد، به طوری که گاه نام و نام خانوادگی ذکر شده است؛ برای نمونه در صفحه ۲۴۰ این مقاله ارجاع به این شکل است: (محمد، الیعلای، ص ۱۳۴) و گاهی فقط نام خانوادگی آمده است؛ مثلاً در صفحه ۲۳۸، ارجاع به این صورت است: (ابن الأثیر، ص ۶۲۱)؛ بنابراین، می‌طلبد که روش ارجاع یک‌سان و براساس معیارهای علمی باشد یعنی (نام خانوادگی، سال: صفحه). گاهی هم ابیات عربی داخل متن مقاله ارجاع ندارد؛ برای نمونه، در صفحه ۲۴۱ بیت: «فإنک لم تترك علی الأرض جاهلاً/ وإنک لم تترك علی الأرض معسراً» ارجاع ندارد. آیا نباید در مقاله‌ای که درباره شرح حال شاعری (ابن‌هانی) است به دیوان او مراجعه کرد؟ این توقع برای مقاله‌ای که در مجله علمی - پژوهشی معتبر جامعه دانشگاهی کشور چاپ شده است بسیار ناچیز است. در فهرست منابع این مقاله تشویش و بی‌نظمی وجود دارد؛ اول آن که به ترتیب حروف الفبا نیست، به طوری که عمر فروخ قبل از احمد صدر حاج سیدجوادی آمده است، دوم آن که فهرست منابع به پی‌نوشت بیش‌تر شبیه است تا فهرست منابع؛ چرا که ۲۷ منبع ذکر شده است، ولی درحقیقت سیزده منبع وجود دارد. برای نمونه، اسم محمد الیعلای هشت بار تکرار شده است. دیگر آن که در فهرست منابع نیازی به ذکر صفحه نیست، مثلاً، در صفحه ۲۴۷، در منبع ۱ عمر فروخ صفحه ۲۶۷ نیز آمده است.

نگارنده مقاله دو هم در معرفی منابع تخصصی درباره طنز و هم دقت در ارجاعات و استنادات تقریباً ضعیف عمل کرده است. برای درک بهتر این موضوع به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم: الف) نبود ارجاع: در تعریف طنز در صفحه ۱۵۰ آورده است: «ابن‌منظور این کلمه را چنین تعریف کرده است: طنز، یطنز، طنزاً؛ کلمه باستهزاء...»؛ اما به ابن‌منظور ارجاع نداده است؛ ب) نبود کتاب در فهرست منابع با این که در متن به آن استناد شده است؛ مثلاً، در صفحه ۱۵۱ از بدرالدین زاهد مطلبی نقل شده است، ولی در فهرست منابع ذکر نشده است؛ ج) ارجاع‌ندادن به صاحب مسئولیت اثر: برای نمونه، در صفحه ۱۵۱، مطلبی از قزیه ذکر شده، اما ارجاع به الحوفی (الحوفی، ص ۲۵۶) است؛ آن‌جا که می‌گوید: «اما (قزیه، ص ۳۵۹) طنز و فکاهه را آینه صاف، زلال، و صادقی می‌داند... درخلال آن‌ها طنزپرداز قصد آن دارد تا حاکمان را هدایت کرده و به خود آورد» (الحوفی، ص ۲۵۶). هم‌چنین، در صفحه ۱۵۳ این مقاله آمده است که شاعری که مخالف سیاسی امویان بود

ابیاتی می‌سراید، اما نامی از شاعر نیامده است، بلکه ارجاع به (قزیه، ص ۱۵۷) است. البته، نشانی از ابیات عربی نیست، بلکه به ترجمه فارسی اکتفا شده است که درخور پژوهش علمی نیست. در صفحه ۱۵۵، ابیاتی نیز از «المهلبی» نقل شده و ارجاع به (قزیه، ص ۲۰۲). در واقع، اگر قزیه را از این مقاله حذف کنیم، دیگر سخنی برای گفتن ندارد؛ مثلاً در صفحه ۱۶۰، اشعار از ابن معتر است و ارجاع (قزیه، صص ۲۰۴-۲۰۵) به نقل از الأغانی، ج ۸، ص ۱۸۶. یا در صفحه ۱۶۱، ابیات از ابونواس است، اما ارجاع به (قزیه، ص ۲۰۷، به نقل از دیوان ابونواس). جالب آن که (البته براساس ارجاع نویسنده مقاله) حتی آقای قزیه هم دیوان ابونواس را ندیده و به نقل از آن ابیات را آورده است؛ (د) استنادنکردن: در صفحه ۱۵۹ مقاله مطلبی نقل شده است، ولی مستند نیست. آن‌جا که می‌گوید: «عرب صحراگردی منصور را به وبا تشبیه کرده است»؛ (ه) ضعف در تنظیم مآخذ: چنان‌که مشهود است، ترتیب منابع براساس حروف الفبا نیست. برای نمونه، در صفحه ۱۶۵، ابتدا السیوطی، سپس المسعودی، بعد از آن ابن‌محرالدین، و سپس جاحظ آمده است.

مقاله چهار نیز ضعف‌هایی در ارجاع دارد، از جمله الف) یک‌سان نبودن روش ارجاع، به گونه‌ای که گاهی به نام خانوادگی مؤلف ارجاع داده شده است؛ مثلاً، در صفحه ۱۵۶ مقاله چنین آمده: (السخاوی ج ۲، ص ۸) و سپس، در صفحه ۱۵۹ هم به نام خانوادگی و هم به نام ارجاع داده شده است، مانند (زیدان، جرجی، ص ۱۴۲)؛ (ب) در صورت تکرار منبع بدون آن‌که فاصله‌ای بین آن بیفتد، لفظ «همان» به کار برده می‌شود (شلیبی ۱۹۹۲: ۱۱۶). مؤلفان مقاله چهار این مهم را در صفحه ۱۶۰ رعایت نکرده‌اند؛ به طوری که بلافاصله بعد از (زیدان، جرجی، ص ۱۴۳) دوباره آمده است: (زیدان، ص ۱۴۴)؛ (ج) نداشتن ارجاع: در صفحه ۱۷۳ مقاله آمده است: ابن‌حاجب النعمان در ذخیره الكتاب نوشته است: «در اصل از اسم فعل مأخوذ از درجت الكتاب أدرجتُهُ درجاً ... گرفته شده است». این جملات، که در شرح کتاب الدرَج آمده است، ارجاع ندارند. با نگاهی به مجله ادب عربی و شیوه‌نامه ارسال مقالات درمی‌یابیم که روش ارجاع کاملاً شرح داده شده است و این کم‌دقتی نویسندگان است که روش‌های ارجاع در این شش مقاله یک‌سان نیست.

## ۶. میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات مقاله‌ها

برای نوشتن این شش مقاله از شصت منبع اصلی استفاده شده است که اکثر این منابع به بعد از ۱۹۷۰ م برمی‌گردد، و این مشخصه از جمله نقاط قوت مقالات از نظر روزآمدی و

نوبودن داده‌ها به‌شمار می‌رود. هم‌چنین، از دستاوردهای پژوهشی نوین (مقاله و پایان‌نامه) در تدوین برخی از این شش اثر استفاده شده است که باتوجه‌به موضوع مقالات، که همگی متناسب با نیازهای رشته زبان و ادبیات عربی در ایران هستند، کاری بس باارزش به‌شمار می‌آید.

## ۷. وضعیت این موضوع تخصصی در مقاله‌های مورد پژوهش

در مجموع، باتوجه‌به این‌که رویکرد اتخاذشده در برخی از مقاله‌های موردبررسی تحلیل و نقد ادبی با تکیه بر شواهد ادبی و متناسب با مبانی نظری پژوهش است، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت مقاله‌ها مطلوب ارزیابی می‌شود؛ اما مقالاتی که بدون در نظر گرفتن چهارچوب کار پژوهشی و معیارهای آن پیش رفته‌اند نیازمند یک بازنگری کلی هستند.

## ۸. چند توصیه به سردبیران مجله‌ها و پژوهش‌گران جوان

با بررسی شش مقاله یادشده چنین برداشت می‌شود که برخی از نگارندگان محترم به نگارش اصولی و علمی مقولات چکیده، مقدمه، و نتیجه‌گیری نپرداخته‌اند، یا این‌که به‌راحتی از کنار آن‌ها گذشته‌اند و به آن‌ها بی‌توجه بوده‌اند. درحالی‌که چکیده معرفی‌کننده موضوع مقاله و دربردارنده اصلی‌ترین داده‌ها و یافته‌های پژوهش است و خواننده با نگاه‌کردن به آن است که مشتاق مطالعه کل مقاله می‌شود. مقدمه نیز دروازه ورود به مقاله است که در آن اطلاعاتی چون اهداف، ضرورت، فرضیه، سؤال، و پیشینه تحقیق وجود دارد. علاوه‌برآن، نتیجه هر مقاله نیز حاصل یافته‌های پژوهش است و ارزش کار را مشخص می‌کند؛ بنابراین، در تدوین آن براساس اصول و قواعد علمی باید دقت عمل به‌خرج داد. به همه پژوهش‌گران جوان و داوران محترم توصیه می‌شود که در نگارش این بخش‌ها و داوری آن دقت عمل بیش‌تری به‌خرج دهند و به‌سادگی از آن چشم‌پوشند.

## ۹. نتیجه‌گیری

نوشتن مقاله علمی — پژوهشی نیازمند اصول و ضوابط صحیح ساختاری با تکیه بر استانداردهای تعریف‌شده، دقت، مهارت، و تجربه فراوان است؛ چنین به‌نظر می‌رسد که در این زمینه ضوابط و معیارهای لازم درباره کیفیت ساختار مقالات علمی — پژوهشی در برخی



از این شش مقاله چاپ شده در مجله/دب عربی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رعایت نشده و در برخی دیگر رعایت شده است. تعدادی از مقاله‌ها کاستی‌ها و نواقصی دارند از قبیل: کلی بودن عنوان، نگارش غیراصولی چکیده براساس استانداردهای مقاله علمی - پژوهشی، نداشتن پیشینه پژوهش، ارائه سطحی مبانی نظری، کلیشه‌ای و کلی بودن یافته‌ها، مقدمه اصولی نداشتن و فقدان رویکرد مسئله‌محوری، نبود دقت کافی در استنادها و ارجاع‌ها، و نداشتن نتیجه؛ در طرف مقابل، مقاله‌هایی نیز یافت می‌شوند که نقاط قوت و استانداردهای لازم را دارند که از جمله آن می‌توان به نوآوری، مسئله‌محوری، استناد به منابع معتبر و داده‌های به‌روز، و ... اشاره کرد.

### کتاب‌نامه

- استاپلتون، پل (۱۳۷۲)، نگارش مقالات پژوهشی، ترجمه شعله بیگدلی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- چادگانی‌پور، مصطفی (۱۳۷۳)، نگارش علمی (فنون تهیه مقالات علمی و پایان‌نامه‌های تحصیلی)، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- حریرچی، فیروز و حسینعلی اصغری متی کلایی (۱۳۸۸)، «دلایل اصلی پیدایش موشح در اندلس»، *دب عربی*، ش ۱.
- حیدری، محمود و دیگران (۱۳۹۲)، «بینامتنیت دینی در غزل‌های مادی الشاب الظریف»، *دب عربی*، س ۵، ش ۲.
- شلیبی، احمد (۱۹۹۲)، *کیف تکتب بحثاً أو رسالته، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية*.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، *آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی*، تهران: سخن.
- فقهی، عبدالحسین و اسماعیل قاسمی موسوی (۱۳۸۸)، «بررسی مختصر ارکان دبیرخانه مرکزی دولت در عصر ممالیک براساس کتاب صبح الأعشی»، *دب عربی*، ش ۱.
- کرمی، بیژن (۱۳۸۵)، «نگاهی به علل گسترش طنز در قرن چهارم هجری قمری»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۸۰.
- گنجی، نرگس و فاطمه اشراقی (۱۳۹۲)، «تضمین و گونه‌های آن در چکامه‌های صفی‌الدین حلی»، *دب عربی*، ش ۱.
- محمدرضایی، علیرضا (۱۳۸۰)، «شرح حال ابن‌هانی شاعر شیعی اندلسی»، *دب عربی*، ش ۱۵۷.
- موحد، ضیاء (۱۳۸۷)، *رساله‌ای در مقاله‌نویسی*، تهران: نیلوفر.